

جغرافیای رودبار قصران

محمد میرزا مهندس

به کوشش: مصطفی نوری

مقدمه

محدوده جغرافیایی بین شمیران و بیلاقات مازندران که در دامنه جنوبی البرز مرکزی واقع شده است، به رودبار قصران شهرت دارد که در دوره ناصری همچون روزگار کنونی یکی از مناطق خوش آب و هوای حوالی دارالخلافه تهران محسوب می‌شد. ناصرالدین شاه ماه‌های گرم سال را در بیلاقات سپری می‌کرد و آبادی‌های رودبار قصران، خصوصاً امامه که همسرش انیس‌الدوله اهل آنجا بود، یکی از اصلی‌ترین مناطقی به شمار می‌رفت که اردوی همایونی به آنجا عزیمت می‌کرد. راجع به این سفرها از لایه لایه کتب خاطرات و سفرنامه‌های این عصر مانند «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» و نیز گزارش‌های اقامت اردوی شاهی در امامه، فشم و آهار در روزنامه «ایران» عصر ناصری می‌توان آگاهی‌های زیادی بدست آورد اما اطلاع از اوضاع جغرافیایی و اجتماعی رودبار قصران در این دوران اندک است. کتابچه «جغرافیای رودبار قصران» که به قلم محمدمیرزا مهندس نوشته شده است علاوه بر توضیح اوضاع جغرافیایی، شرح کوه‌ها، رودها و آبادی‌های این نواحی به اوضاع اجتماعی آن نیز پرداخته است.

محمدمیرزا مهندس فرزند محمودخان قاجار از تحصیل کردگان دارالفنون، جغرافیدان و مهندس عصر ناصری بود. همانگونه که در این کتابچه مینگارد: «او...» مدت چهارده سال... در سرحدات ممالک محروسه دولت علیه ایران از طرف عثمانی و روس و اغلب از خاک روسیه و عثمانیه و قسطنطنیه و مصر و بیتالله الحرام و بیتالرسول الانام و حجاز و بناور مسقط و فارس و علاوه بر این در آذربایجان و گیلان و گرگان و عراقین عرب و عجم مشغول جان نثاری بوده و به تعیین حدود و نقشه‌کشی و قلعه‌سازی و حرکات عسکریه میپرداخت «پس از آن مأمور آذربایجان و در اواسط صفر سال ۱۲۹۹ قمری مأمور ساختن قلعه‌های میانکاله شد و مدت دو سال به این کار مشغول بود. وی در آغاز روزنامه سفر میانکاله خود مینویسد...» بنده هفت سال در سرحدات آذربایجان عموماً و در سرحد لاهیجان مکرری خصوصاً برای ساختن قلاع سرحدی مأموریت داشته... و نیز دو سال مأمور میانکاله گردیده»^۱

در آغاز کتابچه حاضر نویسنده به وجه تسمیه قصران می‌پردازد و از دو ناحیه قصران داخل و خارج نام می‌برد. نکته قابل توجه این است که محمد میرزا مهندس

بر خلاف کسانی که در دوران معاصر به شرح این نواحی پرداختند شمیران را قصران داخل و طرف رودبار را قصران خارج می‌داند و می‌نویسد: «... چون کوه البرز

فصل مشترک میانه شمیران و رودبار است لهذا قدیماً شمیران را قصران داخل و طرف رودبار را قصران خارج می‌گفتند.»

اعضادالسلطنه که با محمد میرزا مهندس معاصر است نیز با او هم عقیده است و می‌نویسد: «... قصران خارج که در کتب لغت به لار ضبط است همین لواسان

بزرگ و کوچک است. چنانچه در فرامین و احکامی که از قدیم در دست دارند به لفظ قصران خارج نوشته شده و قصران داخل شمیران است.»^۲

^۱ کتابخانه ملی ملک، نسخه خطی به شماره ۶۹۸

^۲ سفرنامه اعضادالسلطنه به لاریجان، به کوشش مصطفی نوری، اشرف سرایلو، فصل نامه پیام بهارستان، دوره دوم، ش ۶، زمستان ۱۳۸۸، ص ۳۲۳

اما نویسندگان معاصر شمیران را قصران خارج و رودبار را قصران داخل می‌دانند. برای نمونه می‌توان به آراء دکتر حسین کریمان و دکتر منوچهر ستوده مراجعه کرد.^۳

اشاره محمد میرزا به بستن بند بر رودخانه جاجرود در محل «زرد آب» به وسیله حاجی میرزا آقاسی که به مناسبت این بند امروزه «زرد بند» نامیده می‌شود، وجه تسمیه این آبادی را آشکار می‌نماید. در بخش گزارش از آبادی‌ها علاوه بر تاکید به موقعیت جغرافیایی، به اوضاع زراعت و باغها، راه‌های ارتباطی، تعداد خانوار، نام تیولدار و مسائلی از این دست پرداخته است. توضیح نویسنده راجع به قریه «آخرین» که امروزه خالی از سکنه است و نیز شرح امامزاده‌ها و بازسازی امامزاده شکرآب در سال ۱۲۸۶ قمری به دستور ناصرالدین شاه از دیگر نکات حائز اهمیت این کتابچه به شمار می‌رود.

محمد میرزا مهندس در بخش « بیان احوالات متفرقه رودبار » اطلاعات ذی‌قیمتی از این نواحی چون چشمه آب معدنی میگون، معادن، میوه‌ها، مساجد، حمام و معماری ارائه می‌دهد و نیز از گویش مردم، شغل و خصوصیات زنان رودبار قصران.

نسخه این کتابچه از کتابخانه ملی ایران به شماره ۸۰۸/ف تهیه شده است و نسخه دیگر از آن در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بی‌قیاس صانعی را سزد که از امتزاج جواهر ارضی و سماوی به ترکیب آدمی پرداخت و در یک نقطه عدسی چندین اشکال هندسی تعبیه ساخت و از نقش‌های گوناگون که پی‌آلات مهندسی در تخته خاک ظاهر فرمود و عقول حکما را نقش پرده نموده به تعلیم امرش مکی ضعیف پی پرگار طرح بیوت مسدس ریخت و کرمی نحیف کارخانه نسج پرنیان انگیخت.

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

به عرض اراضی حکمتش مساح وهم نرسد و به طول اقالیم صنایعش مُسرع خیال ره نبرد. در قصران داخل و خارج عقل و حسن شاهدان قدرتش جلوه کرد. جریان عیون و انهار ز فیوضش موجودات را مرسوم مستمر له‌الحمده‌والثنا و منه المنع و العطاء. و به الوجود و البقاء و درودنا محدود نثار سرور لولاک و سبب آفریش زمین و افلاک کو نشان نبوتش چون آیات انفس و آفاق ظاهر است و آثار جلالش در لاهوت و ناسوت باهر و بر اولاد اطهار او که در حدود سنور مملکت شریعت آن بزرگوار سرحد دارانند و صحاری هدایت و ارشاد را نقشه نگاران.

اما بعد چون مدت چهارده سال بر حسب امر قدر قدر[ت] شاهنشاه جم‌جاه انجم سپاه غوث زمان و کهف امان، قطب دایره امکان، مرکز داد و احسان، فخر سلاطین کیان، صاحب اورنگ و سریر خسرو بی‌نظیر،^۴ حافظ ملت احمدی، ناصر دین محمدی، حامی بلاد اسلام، المؤید من الملک العلام ظل الله تعالی فی الارض ابوالنصر والفتح و الظفر ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ایام سلطنت این بنده درگاه آسمان جاه حاجی محمد میرزای مهندس در سرحدات ممالک محروسه دولت علیه ایران از طرف عثمانی و روس و اغلب از خاک روسیه و عثمانیه و قسطنطنیه و مصر و بیت‌الله الحرام و بیت‌الرسول الانام و حجاز و بناور مسقط و فارس و علاوه بر این در آذربایجان و گیلان و گرگان و عراقین عرب و عجم مشغول جان نثاری بوده و به تعیین حدود و نقشه‌کشی و قلعه‌سازی و حرکات عسکریه می‌پرداخت. دو سال قبل احضار دربار معدلت‌دار گردیده در صفحات لار و دماوند که بیلاق و شکارگاه اعلیحضرت اقدس همایون^۵ روحنا فداه است تقبیل رکاب مبارک را دریافت نموده و در آن اوقات به میل خواطر خود بدون مأموریتی صفحات لار و رودبار و تا لواسان و دماوند را نقشه برداشت و اینک محض اطلاع خاص و عام شرح یک دره بیلاق مزبور را که عبارت از «رودبار قصران» است مفصلاً در این کتابچه می‌نگارد و نقشه‌ای را نیز مزیداً للتبصره الحاق می‌نماید.^۶ امید که در حضرت جناب جلالتمآب اشرف افخم ولنعم اکرم سپهسالار اعظم^۷ دام مجده العالی موقع قبول یابد. فلشرف فی المقصود و من الله التوفیق.

^۳ . برای اطلاع بنگرید به: دکتر حسین کریمان، قصران، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، صص ۵۹-۲ و نیز: دکتر منوچهر ستوده، البرز کوه، تهران: بنیاد

موقوفات افشار، ۱۳۸۹، صص ۴۵-۳۵

^۴ . اصل: پی‌نظیر

^۵ . اصل: همیون

^۶ . این نقشه در کتابخانه ملی ایران و نیز در کتابخانه ملک ملاحظه نشد.

چون کوه البرز فصل مشترک میانه شمیران و رودبار است لهذا قدیماً شمیران را قصران داخل و طرف رودبار را قصران خارج می‌گفتند.

حدود رودبار:

قصران خارج: این رودبار از طرف شمال مایل به مشرق محدود به کوه یونضا است که حدود رودبار و لار است و از سمت شمال مایل به مغرب محدود به کوه گاجره که فاصله میانه این رودبار و لورا است و از طرف مغرب مایل به شمال به کوه توچال و از سمت مغرب مایل به جنوب به کوه طلهرز منتهی می‌شود که این دو کوه یک سلسله و فصل^۸ مشترک میانه این رودبار که قصران خارج و شمیران که قصران داخل است می‌باشد و از سمت جنوب مایل به دو کوه، به مغرب طلهرز و از طرف جنوب مایل به مشرق محدود به دامنه کوه ورجین که این دو دامنه احداث دره کرده‌اند که میان آن دره رود جاجرود مزروعات لشکرک است که این مزروعات به طرف غربی گلدوک که لواسان است اتصال می‌پذیرد و از مضافات آن است و از سمت مشرق مایل به جنوب محدود به کوه ورجین است که حدود این رودبار و اراضی کوشک‌دشت لواسان کوچک است و از جهت مشرق مایل به شمال محدود به کوه ورجین است.

تنبیه: در حدود مذکوره از قله توچال که همان قله البرز است قله بلندتر نیست مگر قله دماوند که ذکر ارتفاعش با تفصیل هر یک از این جبال در آخر کتاب خواهد آمد.

بیان دهات رودبار قصران خارج و جهات و فاصله آنها از یکدیگر علی سبیل الاجمال:

این رودبار عبارت از مجموعه چهارده قریه دایر و آباد است که همه این قراء از رودهایی مشروب می‌شوند که پس از اختلاط به یکدیگر رود جاجرود نامیده می‌گردد که ذکرش خواهد آمد و اسامی قراء مزبور از این قرار است: رودک، کلوگان، آخرین حاجی آباد^۹، اوشان، باغ گل ایگل، آهار، فشم، میگان^{۱۰}، دربندسر، روته، ذایگان^{۱۱}، لالان^{۱۲}، آب نیک، گرمابدر.

۱. رودک در سمت غربی مایل به شمال انتهای گدوک کوچک که در کنار رود جاجرود است به فاصله ثلث فرسخ واقع است.
۲. کلوگان در سمت شمال رودک به بُعد ربع فرسخ واقع است.
۳. آخرین در شمال مغرب کلوگان به فاصله خمس فرسخ واقع است.
۴. اوشان در سمت شمال آخرین به مسافت خمس فرسخ است.
۵. باغ گل ایگل در شمال اوشان به فاصله خمس فرسخ است.
۶. آهار در شمال ایگل به بُعد خمس فرسخ است.
۷. فشم در مشرق آهار به مسافت خمس فرسخ است.
- ۸ و ۹. میگان و دربندسر سمت شمال پانزده درجه مایل به مغرب فشم به فاصله کمتر از ثلث فرسخ و ثلث فرسخ واقعند.

7. میرزا حسین خان سپهسالار اعظم، صدر اعظم ناصرالدین شاه. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: دکتر کریم سلیمانی، القاب رجال دوره قاجاریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۹

8. اصل: فضل

9. اصل: حاجی آباد

10. امروزه «میگون» می‌گویند.

11. امروزه به صورت «زایگان» نوشته می‌شود.

12. امروزه «لالون» هم گفته می‌شود.

۱۰. روته در مشرق میگان به بُعد ثلث فرسخ است.
۱۱. ذایگان در شمال روته به مسافت ربع فرسخ واقع شده.
۱۲. لالان در شمال ذایگان به فاصله ثمن فرسخ واقع است.
۱۳. آب نیک در مشرق ذایگان به بُعد هشت ثمن فرسخ است.
۱۴. گرمابدر در میانه شمال مشرق آب نیک به مسافت ثمن فرسخ است.

بیان رود جاجرود و سایر رودهایی که این رودبار را مشروب می‌سازند:

رود جاجرود از میان رودبار قصران جاری و چند رود دیگر نیز از اطراف به آن اختلاط می‌یابد و پس از مشروب نمودن اراضی رودبار فاضلش به سمت کوشک‌دشت لواسان کوچک و از آنجا به طرف ورامین می‌رود. این رودخانه سر چشمه‌های متعدده دارد که تفصیل آنها از این قرار است: یک سرچشمه جاجرود از سمت مشرق شمال و از دامنه کوه یونضا از پهلوی قریه گرمابدر و ده آب‌نیک جاری شده تا در جنوب قریه ذایگان به فاصله یک میدان رودخانه دیگری که از قریه لالان به ذایگان جاری است مخلوط به آن می‌گردد و به قریه روته می‌رود و از آنجا به فشم می‌رسد. بعد از رسیدن به این قریه رودخانه دیگر نیز از میان شمال مایل به مغرب از دامنه کوه گاجره جاری شده به قریه دربندسر می‌رسد و از این قریه نیز گذشته به ده میگان و از آنجا به فشم آمده با رودخانه اول مخلوط و در این وقت به رود جاجرود موسوم می‌شود.

پس رود جاجرود در این نقطه مرکب از سه شعبه مزبوره است که مختلطاً از فشم به اوشان و از آنجا به قریه آخرین جاری می‌شوند و در میانه اوشان و آخرین رودخانه دیگری از میانه شمال و مغرب از دامنه کوه توچال از دو منبع سرازیر و در قریه آهار متحد گردیده و از آنجا به قریه ایگل می‌رسد و از اینجا از تنگه پارو که در دامنه کوه طلهرز واقع است رود دیگری نیز داخل آن شده و این سه شعبه معاً مخلوط آن سه رودخانه فوق می‌گردند و این شش شعبه مختلطاً از قریه آخرین گذشته به حاجی‌آباد که از مضافات آخرین است رسیده به قدر یک میدان که از آنجا گذشت از محال موسوم به کمرخانی عبور می‌نماید و در این نقطه رودخانه دیگری که از مشرق بیست‌و پنج درجه مایل به شمال از امامه به کلوگان جاری است بعد از عبور از کلوگان در همین کمرخانی داخل رود جاجرود می‌گردد و جاجرود در این وقت از هفت شعبه ترکیب می‌یابد و به قریه رودک آمده و از آنجا مزروعات لشکرک را که آخر رودبار قصران است سیراب نموده و به طرف لواسان کوچک جاری شده. از اینجا از یک فرسخی ده سرخه‌حصار به سمت ورامین می‌رود و در آنجا به چندین نهر مقاسمه گردیده فاضلش در...^{۱۳} به مقازه که عبارت از کویر نمک و در طرف شرقی کنار کرد است می‌ریزد.

نکته:

بعد از خروج رود جاجرود و از خاک رودبار تا رسیدن به ورامین دیگر رودخانه مشهوری داخل آن نمی‌گردد مگر رودهای افجه و لواسان که منظور در این کتابچه بیان آنها نیست و بعضی چشمه‌های کوچک هم در خاک رودبار دارد که قابل ذکر نیستند. از دارالخلافة ناصریه طهران یک فرسخ و نیم تقریباً که به طرف شمال و مشرق می‌روند به ده نارمک می‌رسند و از آنجا در همین جهت تخمیناً نیم فرسخ که می‌گذرد از گدوک قوچک عبور و نیم فرسخ که بگذرند به کنار جاجرود خواهند رسید و عبور از گدوک مزبور که دامنه کوه طلهرز است سابقاً خالی از صعوبت نبوده زیرا که فراز و نشیب صعب‌المسلک است ولی چون از این گدوک الی شمیران و شهرستانک و لار و سایر اطراف بر حسب امر قدر قدر [ت] همایونی محض تسهیل عبور، راه دولتی ساخته شده است لهذا به جهت عابرین سبیل عبور از طرق این کوهستان در این زمان آسان است.

بعضی از کنار رود جاجرود راهش هموار و سهل‌العبور است و اعتدال هوا و صفای این دره خیلی خوب و در بهار و تابستان و ایام خریف بسیار با خضرت و نضارت و محل تفرجست، اگرچه مجموع دره‌های این کوهستان الی لار و مازندران همین حالت را دارند.

بعد از عبور از گدوک قوچک و ورود به دره کنار جاجرود هرگاه مقصود حرکت به طرف لواسان کوچک است به سمت مشرق مایل به شمال از میان دره حرکت می‌کند که پس از گذشتن ربع فرسخ باید از پل چوبی لشکرک که بر روی رود جاجرود بسته شده عبور نمایند و بعد از گذشتن از پل به همان جهت مزبوره ربع فرسخ که رفتند به قریه گلهندوک می‌رسند که اول لواسان کوچک است و از گلهندوک یک فرسخ که به سمت شمال مشرق رفتند به افجه خواهند رسید که آن نیز جزء

لواسان کوچک است و از طرف شمال افجه یک فرسخ [و] ربع که بگذرند به امامه می‌رسند که سایر دهات لواسان در اطراف کوه ورجین پراکنده است و چون مقصود تفصیل لواسان نیست لهذا به ذکر قراء مزبوره نیز نپرداختیم.

پل چوبی که ذکر شد خیلی لازم است که با آجر و محکم ساخته شود زیرا که اکثر قواقلی که به مازندران می‌روند باید از آن پل عبور نمایند و به واسطه عدم استحکام آن در عرض سال بسیاری از عابریان و حیوانات به میان رودخانه افتاده تلف می‌شوند و هرگاه بعد از ورود به کنار جاجرود بخواهند به طرف رودبار قصران روند از کنار رودخانه ربع فرسخ که به سمت مغرب و شمال رفتند به نقطه [ای] از جاجرود خواهند رسید که مرحوم حاجی میرزا آقاسی بندی^{۱۴} بر روی رودخانه بسته ولی ناتمام است و مقصود آن مرحوم این بود که از رود جاجرود آب به طرف دارالخلافة^{۱۵} بیاورد. بعد از گذشتن ثلث فرسخ در همان جهت از این بند به قریه رودک می‌رسند که اولین قریه رودبار قصران است.

تفصیل بندی که مرحوم حاجی میرزا آقاسی بر روی رود جاجرود بسته:

در دره که از دامنه کوه ورجین و کوه طلهرز احداث شده در محلی که مشهور به زردآب است مرحوم حاجی بندی بسته و در السنه و افواه عوام چنان شهرت دارد که آن مرحوم می‌خواستند بعد از اتمام بند مزبور کوه طلهرز را شکافته به طرف شمیران و طهران آب ببرد ولی این خیال بی‌معنی و غلط است بلکه مقصود مرحوم مزبور این بود که آب جاجرود را به محل موسوم به پی‌گرد زانو که در طرف جنوبی گدوک کوچک به فاصله نیم فرسخ واقع است بیاورد و از آنجا به سمت مجیدآباد نیم فرسخی پی‌گرد زانو جاری بسازد و به اراضی سیاه لوار که قریب به قریه نارمک و نیم فرسخی مجیدآباد است برده از آنجا به دارالخلافة که دو فرسخ است برساند. اگرچه بنده درگاه این اراضی را نویلمان[؟] نکرده و به دقت ملاحظه نموده که آب رود جاجرود به چه قسم به اراضی طهران محققاً باید جاری نمود ولی آنچه در حین عبور و نقشه‌کشی فهمیده همین است که عرض شده.

ملاحظه: آنچه اجمالاً جان نثار فهمیده در همه این امتداد مجرای جاجرود و فقط از دو نقطه ممکن است آب به دارالخلافة آورد؛ یکی از بند مزبور چنانچه ذکر شد، دیگری از مکانی که در میان قرتین اوشان و آخرین واقع است و از سایر نقاط این دره علی‌الظاهر ممکن نیست آب را به طرف دارالخلافة برگردانند.

در بیان دهات رودبار قصران و سایر اطلاعات متعلقه به آن علی‌التفصیل:

رودک: این قریه‌ایست در دامنه کوه طلهرز در شمال مایل به مغرب بند مرحوم حاجی به فاصله سدس فرسخ در کنار غربی رود جاجرود متصلاً واقع است و تقریباً پنجاه خانه‌وار جمعیت در کمر کوه دارد و تیول جناب حاجی محمد ناصر خان ظهیرالدوله بوده و آبش از چشمه‌ای است که کمتر از یک سنگ آب دارد و از دامنه کوه مزبور از دره [ای] که به طرف امامزاده محمدباقر است جاری می‌گردد و غالباً مشروب و مزروع^{۱۶} قریه مزبوره از این آب است ولی بعضی از زراعات^{۱۷} و باغات که در شرقی و پائین قریه مزبوره است از رود جاجرود سقی می‌شود و در بیست سال قبل اسدالله نام بنای رودکی از یک میدان سمت مغرب این قریه از محل موسوم به کمرخانی بندی بسته آبی آورده و باغی در رودک آباد کرده که شامل میوه‌جات بیلاقی خوب است و در قدیم قریه مزبور چهارصد نفر مرد داشته ولی اکنون جمعیت آنجا کمتر است و اراضی این قریه با قوت و محصولش زیاد است و در این قریه امامزاده محمدباقر مدفون است که ذکرش خواهد آمد و به فرمان خاقان خلد آشیان مرقد و آثار او را بنا نموده‌اند و کلیتاً چون این قریه و امامزاده در کمر کوه واقع و مشرف به دره است خیلی باصفا و اعتدال هوا و خوش منظر است. و از این قریه از سمت کوه طلهرز راهی است مشهور به روکور. از این راه یک فرسخ و نیم تقریباً که به طرف جنوب مایل به مغرب می‌روند به قریه سوهانک شمیران می‌رسند. این راه به طهران نزدیک‌تر از راه نارمک مذکور است و از قریه رودک راه دو شعبه می‌شود؛ یکی راه دولتی است که ساخته‌اند به طرف اوشان و آهار و شکراب و توچال می‌رود که سهل‌العبور است و دیگری راهی است که از طرف شمالی رودک از باغات آنجا که می‌گذرد [به] پل چوبی می‌رسند که بر روی

¹⁴ . امروزه این ناحیه به «زردبند» معروف است.

¹⁵ . اصل: داروالخلافة. در موارد بعدی نیز تصحیح شد.

¹⁶ . اصل: مرزوغ.

¹⁷ . اصل: زراعات.

جاجرود در خاک رودک بسته شده. بعد از عبور از این پل به قدر ربع فرسخ به سمت شمال تخمیناً که می‌روند وارد قریه کلوگان می‌شوند و از آنجا به امامه [که] یک فرسخ کمتر فاصله دارد می‌روند و در میان این پل و کلوگان امامزاده‌ای است معروف به امامزاده محمدعلی که ذکرش خواهد آمد و راه از پل الی کلوگان و امامه چون ساخته نشده صعب‌المسلك است که بیانش بیاید.

ذکر احوال امامزاده محمدباقر و امامزاده محمدعلی:

اگرچه این فقره خارج از مقصود ماست ولی اطلاعاً قلمی می‌شود. از قراری که در بحر‌الانساب مذکور است پنج برادر از اولاد حضرت موسی الکاظم علیه‌السلام از قرار تفصیل با هم بودند: امامزاده محمدباقر، امامزاده محمدنقی، امامزاده اسماعیل، امامزاده محمدعلی، امامزاده عبدالله و اینها از دست خارجیان دهات آهار و ایگل و فشم و اوشان فرار نمودند به قریه رودک آمدند. چون امامزاده محمدباقر مجروح بود و توانایی نداشت سایر برادران او را وداع نموده در این قریه گذاشتند. آن حضرت در زیر درخت گردویی پنهان شده چون خارجیان به بدینجا رسیدند از جولاهی اسفندیار نام سؤال امامزادگان^{۱۸} را نمودند. جولاه مزبور با چشم اشاره به درخت گردکان مذکور نمود. خارجیان به آنجا شتافتند ضربت زیادی به امامزاده زدند. آن حضرت از آنها آب طلب فرمودند مضایقه کردند پس عصای خود را بر زمین زده چشمه آبی جاری شد ولی نیاشامیدند و باز از آنها شربت غسل خواسته ندادند پس اشاره به درختی کرده فواراً شیرخشت از آن به عمل آمده تناول فرمود. از آن زمان تا حال از کرامت از این امامزاده در آنجا شیرخشت بهم رسید. بعد آن حضرت از زیر درخت گردکان حرکت کرده روانه شدند. خارجیان به تعاقب شتافته قریب به چشمه [ای] که معروف به چشمه مراد است به او رسیدند. چون ضربتی در دهن آن حضرت زده بودند و خون جاری بود از آن خون قدری به سنگی که در میان چشمه مذکور بود ریخته الان هم به آن سنگ که نگاه می‌کنند چنان محسوس می‌شود که خون تازه بر بالای آن ریخته است و این یکی از کرامات آن حضرت است.

تنبيه: معروف در میان اهل رودبار آنست که قاتل این بزرگوار از اهالی آهار و از طایفه‌ای است که الان به پشم گوش معروفند و از آن زمان الی حال از نسل جولای که ذکر او گذشت هرچه اولاد ذکور یا اناث متولد می‌شود از کرامت آن امامزاده احوال^{۱۹} هستند. و اما امامزاده محمدعلی در امتداد رودک و کلوگان که اقرب به کلوگان بالای کوه در یسار راه متصلاً امامزاده بی‌در و دیواری است که به این اسم معروف است. در حالتی که خارجیان به تعاقب این امامزاده شتافته‌اند در این محل غایب شده و همیشه اهل این قریه در این مکان نذورات و قربانی‌ها به عمل می‌آورند و مکرر تجربه شده که مردم در این مکان اگر تیری به طرف کبک یا سایر طیور انداخته‌اند از کرامت این امامزاده خطا کرده بدین جهت مردم از صید در این محل اجتناب می‌نمایند. و راهی که از این امامزاده الی قریه دارد نیم میدان و آن قدر صعب‌المسلك است که اهالی قریه احمال و ائقال خود را به‌دوش بدینجا می‌کشند و از اینجا بر حیوانات خود حمل می‌نمایند.

کلوگان: این قریه در شمالی رودک به بُعد ربع فرسخ میان کوه ورجین و کوه اسپول در دره بسیار تنگی واقع است که آن دره تا به امامه ممتد است و رود امامه از میان دره جاریست و رعیت این قریه قریب به سی خانه‌وار است و چون در دامنه کوه است زمینش با شیب و فراز، و تبول شاهزاده محمدامین میرزاست. در طرف غرب جنوبی کلوگان به فاصله یک دره که ربع فرسخ است کوه طلهرز واقع و رود جاجرود از دامنه آن جاریست و قریه مزبوره شامل باغات و اشجار به وفور و میوه‌جات بیلاقی از هر قبیل است و توت آنجا بسیار خوب است و تا سنبله^{۲۰} بر درخت دوام می‌آورد و سوای رود امامه آبی دیگر ندارد مگر چند چشمه کوچک که در میان قریه مزبوره است.

و در سنه ۱۲۸۵ هجری میرزا زین‌العابدین نامی به شراکت جمعی دیگر از اهل قریه از نیم فرسخی سمت شرقی کلوگان نهری از رود امامه برداشته و همه جا دامنه کوه را شکافته و آب را با زمین موسوم به تخته که دویست قدم عرض و پانصد قدم طول دارد و در طرف مغرب کلوگان متصل به آن واقع است جاری ساخته‌اند که این تخته زمین مزبور را آباد نمایند و از این کار فایده کلی به صاحبان این زمین خواهد رسید. علاوه بر این تخته زمین در همه امتداد این نیم فرسخ از ابتداء تا انتها اغلب جاها در دامنه کوه می‌توان غرس اشجار نمود و زراعت کرد.

18 . اصل: امامزاده‌گان

19 . لوج، دو بین، کسی که همه چیز را دوتایی می‌بیند. احوال: .

20 . سنبله: شهریور ماه .

و تخته زمین مزبور در مقابل حاجی‌آباد و کوه طلهرز واقع و به رود جاجرود و آخرین و حاجی‌آباد و سایر اطراف خود مشرف است و به سبب خوبی مکان شاهزاده محمدمامین میرزا خیال دارند پس از استیذان از صاحب زمین در آنجا بنای عمارتی نمایند که هر وقت موبک همایون به تفرج آن صفحات تشریف فرما شوند در آن عمارت نزول اجلال فرمایند و خیلی جای خوب و عمارت مرغوبی خواهد شد و در طرف مغرب مایل به جنوب کلوگان سمت شرقی جاجرود به بُعد سیصد و چهارصد قدم در دامنه کوه طلهرز و توچال مکان مشهور به کمرخانی است که در این سنوات اهل کلوگان باغات خوب در آنجا احداث کرده‌اند که شامل میوه‌جات زیاد و آبش از رود جاجرود است.

راهی که اهل رودبار و غیره بخواهند از سمت کوه شمیران روند باید به قریه آخرین آمده از کوه طلهرز صعود نموده از شاه‌راه روکور مذکور به ازگل و دهات دیگر شمیران و از غیر شاه‌راه به دارآباد می‌روند و حسب‌الامر همایونی در سنه ۱۲۸۸ این راه را ساخته‌اند. قریه ازگل در سمت جنوب مایل به مغرب کلوگان به بُعد کمتر از دو فرسخ واقع است. از رودبار از طرف کوه طلهرز از هر نقطه آن پیاده می‌تواند به صعوبت به طرف شمیران عبور نماید ولی راه معروف همان راه روکور است که ذکر شد.

آخرین: این قریه در مغرب مایل به شمال کلوگان به فاصله خمس فرسخ در دامنه کوه طلهرز کنار رودخانه جاجرود واقع است و حاجی‌آباد از متعلقات آن است و معاً چهل خانه‌وار رعیت دارند و تیول هاشم‌خان چارچی باشی است و حاجی‌آباد در طرف شمال مایل به مغرب رودک به فاصله نیم فرسخ موضوع است و چون قدیم در همین دامنه چندین قریه آباد بوده و همه خراب شد و این قریه که آخرین آنها است آباد مانده و لهذا به این اسم موسوم گردیده و این قریه علاوه بر آب جاجرود آب دیگری هم دارد که در حالت طغیان به قدر یک سنگ از دره کوه طلهرز جاری می‌شود و اگر فاضلی از شرب و زراعات داشته باشد داخل رود جاجرود می‌گردد. اشجار شیرخشت در دامنه کوه طلهرز که در جنب آخرین است وفور دارد و ثمرش خوب و چوبش بسیار سخت می‌شود و آخرین باغات ندارد ولیکن حاجی‌آباد قدری باغ و اشجار دارد. و اهل قریه آخرین دو طایفه‌اند که سابقاً با هم نزاع و جدال داشتند و این سال‌ها موقوف نموده‌اند.

در بیان راهی که به - حسب‌الامر از گدوک قوچک تا لورا و شهرستانک ساخته‌اند:

چنانچه سابقاً اشاره شد که از گدوک قوچک از طرف توچال تا شمیران و شهرستانک راه دولتی ساخته‌اند و قبل از ساختن این راه همه ساله حیوانات و عابریں بسیار در میان این دره‌ها افتاده تلف می‌شدند و راه مزبور از گدوک مذکور تا قریه رودک ممتد و از آنجا به حاجی‌آباد و آخرین آمده به اوشان و ایگل و آهار می‌روند و از آهار هم از کوه توچال تا شمیران راه را ساخته و پرداخته‌اند و از آهار به طرف لورا و شهرستانک نیز ساخته شده و بر عابریں سبیل به سبب سهولت عبور و مرور از این راه‌ها همه اوقات دعاگوی وجود مسعود مبارکند. خدایش بخشا عمری گران که نیک اعتقاد است و روشن روان. روز سه‌شنبه ۱۴ جمادی‌الاولی ۱۲۸۸ هجری مطابق سال قوی‌ئیل^{۲۱} اعلیحضرت شاهنشاهی در مراجعت از بیلاق دماوند از قریه آخرین از کوه طلهرز از همین راه ساخته شده صعود و به سلطنت‌آباد نزول اجلال فرمودند.

اوشان: این قریه در سمت شمال آخرین به مسافت خمس فرسخ در دامنه کوه طلهرز کنار رود جاجرود میان دره واقع است و قریب یک‌صد خانه‌وار جمعیت دارد. تیول پسر مرحوم آقا رجب رخت - دار بوده‌است^{۲۲} و شامل باغات خوب است و آبش از جاجرود و رود دیگری است که از طرف آهار و ایگل جاری است کما ذکر. و بالای اوشان در دامنه کوه طلهرز اشجار شیرخشت بسیار است و وسط این قریه در میان تکیه [ای] که دارد و درخت کردگان قدیمی است که بسیار بزرگ است و قطرش هشت ذرع [و] نیم است و اهل این زمان به خاطر ندارند که در چه عهد غرس شده. سابقاً مئمر صد هزار کردکان بوده ولی حال کمتر ثمر می‌دهد و گویند هر گاه کسی عمداً از شاخ‌های آن ببرد سالی نمی‌گذرد که رشته عمرش بریده می‌شود. و در طرف غربی اوشان در دامنه کوه طلهرز چند درخت انار مغروس است و می‌گویند بعضی از شب‌های جمعه آثار روشنائی به مشابیه چراغ در میان آن اشجار هویدا است و سببش معلوم نیست شاید این زمین مدفن یا معبر بعضی از اشخاص کامل بوده است. و از اوشان دو راه است یکی به طرف باغ گل و آهار و شکراب و یکی به سمت فشم می‌رود.

باغ گل و ایگل: خمس فرسخ است که از طرف شمال اوشان دور می‌شوند به قریه باغ گل و ایگل می‌رسند که هر دو یک قریه محسوب می‌شوند و در فصل مشترک میانه دو کوه طلهرز و توچال وسط دره و در جنب رودخانه آهار واقع است و جمعیتش به قدر اوشان و تیول جناب حاجی محمد ناصرخان ظهیرالدوله بوده

²¹ . قوی‌ئیل: سال گوسفند بر اساس تقویم ایغوری

²² . حاشیه: که حال به مهدی قلیخان پیشخدمت واگذار شده.

است^{۲۳} و علاوه بر رود آهار آب دیگر هم دارد که در حالت طغیان زیاده از یک سنگ و از تنگه مشهور به پارو که در دامنه کوه طلهرز و کوه توچال و به قریه ایگل اتصال دارد جاری است و زراعات و باغات قریه از همین دو رود مشروب می‌شوند و فاضلش از میان اوشان و آخرین داخل رود جاجرود می‌گردد و کوهش شیر خشت دارد.

تنبیه: تنگه پارو بالای کوه تختی از سنگ است که معروف به تخت کیقباد می‌باشد.

آهار: از ایگل به قدر خمس فرسخ که به طرف شمال می‌روند به قریه آهار می‌رسند که در دامنه کوه توچال پهلوی رود آهار در میان دره واقع است و جمعیتش به قدر صد خانه‌وار، به تیول جناب معتمدالملک وزیر مخصوص است و رودی که به آن قریه جاریست دو سرچشمه دارد؛ یکی از طرف شکراب که در دامنه کوه توچال واقع است می‌آید و دیگری از طرف کوه دربندسر که معروف به پیش کنک [؟] است سرازیر می‌شود و فاضل این دو سرچشمه در زیر قریه آهار مخلوط یکدیگر شده معاً به قریه ایگل می‌آید و در ایگل از تنگه پارو یک رود کوچک دیگر داخل آن می‌گردد پس رود آهار به ایگل که می‌رسد مرکب از سه منبع است و چنانچه سابقاً ذکر شد داخل جاجرود می‌گردد و چشمه آب بیمزه هم در این قریه دارد.

بیان امامزاده شکراب

در سمت غربی آهار به فاصله کم‌تر از ثلث فرسخ در دامنه کوه توچال مضج امامزاده شکراب است که دو برادرند یکی امامزاده زاهد و دیگری سید میر. پسری هم در نزد ایشان مدفون است گویا پسر میر زاهد باشد. یکی از کرامات این بزرگوار آنکه خرسی همیشه به املاک متعلقه به امامزاده خسارت می‌رسانیده لهذا از باطن آن حضرت آن حیوان جسور سنگ شده و الان در سمت جنوب و مشرق مرقد به بُعد دو هزار ذرع تخمیناً در بالای سنگی موجود است و یکی دیگر از کرامات این بزرگوار آنکه از هر جا که مرقد امام زاده نمودار است شکار کبک و کبوتر و غیره به هدف نمی‌آید.

و حسب الامر همایونی در سنه ۱۲۸۶ هجری مخارج زیادی برای گنبد و رواق و صحن آنجا شده و زیاد با صفا گردیده. همینست بس از کردگار مجید که توفیق خیرت بود بر مزید. و این امامزاده خانه و آبادی ندارد و قلیل زراعتی در آنجا می‌شود و از قراری که می‌گویند این زمین و مزروعات آن کلاً متعلق به امامزاده است که حال اهالی آهار غصب کرده‌اند و از نسل این بزرگوار در اوشان و آهار بعضی ساداتند که املاک مزبور را ادعا می‌نمایند و اهالی آهار منکرند و قدری اشجار گردکان و غیره نیز در آنجا موجود است و راه دولتی که سابقاً ذکر شد از گدوک کوچک ساخته‌اند منتهی به کوه توچال که در جنب همین امامزاده است می‌شود و از این نقطه هرگاه به طرف شمیران بخواهند بروند به قریه کردوی می‌رسند که تا شکراب دو فرسخ و اولین قریه شمیران است و هرگاه خواسته باشد به سمت شهرستانک بروند به قریه شهرستانک می‌رسند که تا شکراب یک فرسخ و نیم است و راهش چون ساخته شده هموار است.

فشم: این قریه در مشرق مایل به شمال اوشان به فاصله نیم فرسخ در میان دره واقع شده که معبر دو منبع رود جاجرود است و طرف شرقیش دامنه کوه اسپول و طرف مغربش دامنه کوه توچال می‌باشد و جمعیتش به قدر اوشان و تیول آقا محمدحسن صندوقدار بوده است^{۲۴} و در کوهستان سمت شمالش اشجار سقز بسیار است و در این قریه دو رودخانه که از طرف میگان و روته جاری می‌شوند با هم متحد شده که معاً آنها را رود جاجرود نامند و از فشم راه دو شعبه می‌شود یکی سمت میگان و دربندسر و دیگری به طرف روته و ذایگان و لالان می‌رود.

میگان و دربندسر: از فشم به طرف شمال مایل به مغرب به قدر ثلث فرسخ که می‌روند به قریه میگان می‌رسند که در دامنه جنوبی کوه گاجره میان دره واقع است و آبش همان آب رود دربندسر و شامل صد[و] پنجاه خانه‌وار رعیت است. در کوه سمت شرقی میگان حاجی علی اکبر ارباب در این سنوات معدن سنگ مرمر پیدا کرده و این قریه باغات و اشجار هم دارد و آب گرم معدنی موثر^{۲۵} هست نیز در آنجا که برای بعضی امراض نافع است. و از قریه میگان به قدر یک میدان به سمت شمال که دور می‌شوند به قریه دربند سر می‌رسند که در دامنه کوه گاجره کنار رودخانه دربندسر واقع است که از این طرف آخر ده رودبار قصران محسوب

۲۳ . حاشیه: که حال به میرزا هدایت لشکر نویس مرحمت شده.

۲۴ . حاشیه: که حال به مهدی قلی خان پیشخدمت واگذار شده.

۲۵ . اصل: موصر .

می‌شود و این دو قریه یکی محسوب و تیول پسر آقا رجب رخت‌دار بوده است^{۲۶} و آبی که این قریه دارد از رودی است که سرچشمه‌اش از کوه گاجره^{۲۷} از دامنه آن کوه به این قریه جاری می‌گردد که انفاً بیانش شد.

دقیقه: فشم و میگان و دربندسر هر سه تقریباً در امتداد یک خط مستقیم واقعند.

روته: از فشم به طرف شمال مایل به مشرق به قدر ثلث فرسخ که دور می‌شوند به قریه روته می‌رسند که در میان دره بسیار عمیقی واقع شده که از شدت عمق اهالی آنجا در فصل زمستان تقریباً زیاده از سه ساعت آفتاب ندارند و این قریه در کنار رودی^{۲۸} که از آب نیک و ذایگان جاری است واقع شده و جمعیتش چهل خانوار و چون چندان زراعت ندارد و اهلش از سادات ذوی‌الاحترامند منال دیوانی نمی‌دهند که به آسودگی^{۲۹} مشغول دعای دوام دولت قاهره باشد.

از آن بهره‌ورتر در آفاق کیست که در ملکرانی به انصاف زیست

و در سمت شمال و مغرب روته متصل به آن کوهی است مشهور به لجنی که در این کوه معدن ذغال‌سنگ خوبی است و همیشه از آن معدن ذغال بیرون می‌آورند و این قریه باغات و اشجار کم دارد. علاوه بر رودی که از دهات آب نیک و ذایگان به این قریه جاری است جزئی آب دیگر هم دارد که از طرف کوه لجنی سرازیر می‌شود که هم از آن می‌خورند و هم قلیل زراعت می‌نمایند.

ذایگان: از روته ثلث فرسخ کم‌تر به سمت شمال که می‌روند به قریه ذایگان می‌رسند که در میان دره در دامنه طرف جنوبی کوه ورزا و یونضا و شرقی کوه گاجره^{۳۰} واقع شده و از این قریه راه دو شعبه می‌شود یکی به سمت لالان و دیگری به طرف آب‌نیک و گرمابدر می‌رود و چون ذایگان در سر زاویه است هم در امتداد دره لالان و هم در امتداد دره آب نیک اتفاق افتاده پس هر یک از قراء ثلثه و ذایگان و لالان و آب‌نیک در رأس یکی از زوایای مثلث واقع است و دو سرچشمه جاجرود که از گرمابدر و آب‌نیک و لالان می‌گذرد از همین قریه ذایگان عبور می‌نماید و این قریه بیلاق خوش آب و هوای رودبار است و فقط چهل خانه‌وار جمعیت دارد. تیول محمودخان پسر میرزا فضل‌الله وزیر نظام بوده است.^{۳۱} باغات میوه و اشجار کم دارد.

لالان: این قریه در سمت شمال ذایگان به فاصله ثمن فرسخ در میان دره واقع است که متصل به دره ذایگان است و در دامنه جنوبی کوه ورزا کنار رودی که به اسم خود قریه موسوم است واقع شده و رود مزبور از دامنه کوه ورزا که به همین قریه اتصال دارد جاری است و فقط این ده شامل هشتاد خانوار رعیت و تیول عباسقلی سلطان سرباز رودبار از فوج دماوند است و امامزاده[ای] در اینجا مدفون است معروف به امامزاده عبدالله و در کوه ورزا امامزاده دیگری هست مشهور به امامزاده جعفر و این هر دو برادر از اولاد حضرت موسی‌الکاظم علیه‌السلام هستند و این قریه آخرین ده رودبار قصران خارج است. از طرف شمال که بعد از گذشتن از این قریه به داخل خاک نور می‌شوند.

تنبیه: بالای کوه سمت غربی لالان مغاره‌ای است تقریباً به قدر چار سوق کوچک طهران آبی از سقف آن می‌چکد و سنگ سفید می‌گردد و راهی دارد که تا آخر مغاره می‌رود ولی تا به حال کسی به منتهای آنجا نرسیده و در ایام سلف اگر احیاناً کسی خواسته تا به آخر رود رفته مراجعت نکرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

26. حاشیه: که حال به شاهزاده مریم خانم مرحمت شده.

27. اصل: کاجرو

28. اصل: روته

29. اصل: آسوده‌گی

30. اصل: گاه جره

31. حاشیه: که حال به مهدی‌قلی‌خان مذکور مرحمت شده.

آب نیک: از قریه ذایگان به قدر ثمن فرسخ که به طرف مشرق مایل به شمال روند به قریه آب نیک می‌رسند و این قریه در میان دره واقع است و چهل خانه‌وار رعیت دارد و تیول آقا کشی تفنگدار بوده است^{۳۲} و میوه زیادی ندارد و یکی از سرچشمه‌های جاجرود که از کوه یونضا سرازیر می‌شود به این قریه جاری است و آب دیگر ندارد و کوه معروف اینجا کوه جانستان^{۳۳} است که به کوه یونضا اتصال می‌یابد. و قریه‌ای است اشجار دارد ولی میوه زیاد ندارد.

گرمابدر: از آب نیک به قدر ثمن فرسخ که به طرف شمال و مشرق رفتند به قریه گرمابدر که از این جهت آخرین ده رودبار قصران خارج است می‌رسند و این قریه در دامنه کوه یونضا واقع و سی خانوار رعیت دارد و تیول قهرمان‌خان تفنگدار است و شامل میوه‌جات زیاد نیست و آبش از آن شعبه جاجرود است که داخل رود قریه آب نیک می‌شود.

تمه: در سال ۱۲۸۷ از محل سفیدآب لار الی گرمابدر که تقریباً یک فرسخ و از گرمابدر از راه فشم الی کوه طلهرز که سه فرسخ است حسب الامر همایونی راه دولتی ساخته شده و جمیع عابریین و مترددین از این رهگذر دعاگویی دوام دولت قاهره هستند.

دل کشور جمع و معمور باد
زملکت پراکندگی دور باد

در بیان بعضی اطلاعات متعلقه به رودبار قصران که اجمالاً ذکر می‌شود:

تاکنون مفصلاً بیان دهات و رودخانه‌هایی و بعضی متعلقات رودبار قصران خارج را می‌نمودیم حال سایر اطلاعات لازمه را که سابقاً ذکر از آنها شده و یا مجمل مانده تفصیل می‌دهیم.

طرقی که از رودبار قصران به لار است:

از این رودبار به لار سه راه معروف است یکی راهی است که از گدوک کوچک به گلهندوک و افجه از آنجا به لار و دیگری از رودبار به امامه و از آنجا به افجه و لار و راه سیم از گرمابدر به لار می‌رود که ذکر آن گذشت.

بعض فواید جغرافیایی و نجومی:

چون رودبار خیلی نزدیک به دارالخلافه طهران است لهذا عرض و طول و سایر متعلقات نجومی آن تقریباً مثل دارالخلافه می‌باشد پس عرض شمالی آنجا در خط استوا سی و پنج درجه و چهل دقیقه و طول شرقش از پاریس [؟] چهل هشت درجه و سی و دو دقیقه و اطول نهارش چهارده ساعت و بیست و دو دقیقه و انحراف قبله‌اش از جنوب به طرف مغرب سی و هفت درجه و پانزده دقیقه خواهد بود.

بیان احوالات متفرقه رودبار

رودبار قصران همه کوهستان و جزو حکومت طهران است و اراضی مسطح و هموار به جز همان دامنه‌های کوه که محل زراعت و فلاح و باغات است ندارد. زمستانش مدید و برف زیاد می‌بارد و محل زراعت شلتوک ندارد و قراء معروف و مشهورش آهار و میگان و اوشان و در جمیع قراء حمام و مسجد مختصری دارند ولی بهترین حمام‌هایش در اوشان و نیکوترین مساجدش در روته است. امراض مزمنه در آنجا کم، دهاتش قلعه ندارد بلکه خانه و باغات آنجا نیز بدون حصار است. عمق چاه‌های آنجا کم‌تر از ده ذرع است و زیادتر از بیست سی ذرع حفر نمی‌شود که به آب می‌رسد و غالباً چاه‌هایی که حفر می‌شود به سنگ می‌رسند و حفر آنها مشکل می‌شود.

چشمه آب معروف رودبار چشمه‌ای است که از کوه جانستان می‌آید و در قریه آب نیک داخل رودخانه جاجرود می‌شود و آب این چشمه و آب لالان بهترین میاه رودبار است. معتدل‌ترین قراء رودبار از حیثیت آب و هوا قراء لالان و آب نیک است ولی به حسب مکان و فضا و صفا و قابلیت نزول اردو اوشان بهتر از سایر جاهای آنست ولی محل زراعت و فلاح آهار بیشتر از همه جای رودبار است و میگان آب گرم معدنی دارد و در آهار آب بیمزه موجود است ملح معدنی ندارد و از طرف ایوان کیف ورامین به آنجا نمک حمل می‌شود. معدن آهک در همه جا و معدن گچ خوب به خصوص در آهار پیدا می‌شود. معدن ذغال سنگ در روته و دربندسر موجود است ولی معدن ذغال روته بهتر است. در جمیع قراء رودبار غسل بسیار خوب به غسل می‌آید درخت چنار بزرگ در آنجاها است و باغاتش مغرس^{۳۴} اشجار

32 . حاشیه: حال به شاهزاده مریم‌خانم مرحمت شده.

33 . امروزه کوه «جانستون» گفته می‌شود.

34 . مغرس: زمینی که در آن نهال درخت عمل می‌آورند. (لغت نامه دهخدا)

مثمره مثل زرشک و آلوچه و گردوکان و سیب و امروز^{۳۵} و توت و غیره است که بسیار بلند و قطور می‌شوند. امروز رودبار از همه جای شمیران و غیره امتیاز دارد. در هنگام بهار بلبل بیشمار دارد. درخت ازگل و زالزالک در آنجا موجود است. زالزالک رودک از سایر جاهای رودبار بهتر است. درخت صنوبر در رودبار زود ترقی می‌کند گویا به واسطه سنگلاخ و ریگستان بودن آنجا و مجاورت کوهستان است و آنچه معلوم کرده‌اند صنوبر یک ساله رودبار به قدر صنوبر پنج‌ساله صحرا بزرگ می‌شود. در باغاتش میوه تمشک بسیار است که خودرو از میان علف باغی بیرون می‌آید و می‌خورند.

عمارت و مساجدی که با گچ و آجر بنا شده باشد در آنجا نیست همه بنایش فقط با سنگ و گل است. زمینی که قابل جاری ساختن آب و برداشتن بند است همان در اوشان و فشم است که بعضی اراضی بائر دارند که پس از اجرای آب دائر خواهند شد. راهی که قابل عبور عراده و کالسکه باشد ندارند بلکه شتر هم در کمال صعوبت از آنجاها می‌تواند عبور کند. در جبال آنجا شکار بی‌شمار است ولی به سبب برودت و کثرت برف در فصل زمستان شکار این کوهستان به سمت جاجروود و دوشان تپه و مسیله که هوایشان گرم‌تر است می‌روند. کبک و قمری و مرغ کوهی که کبک دری است در همین سمت این کوهستان بسیارند. کبک دری شباهت به ماکیان دارد ولی بزرگ‌تر از آن است. از قراری که تجربه شده است گوشت کبک دری به آتش کاه بهتر از هر آتشی پخته می‌شود.

هوای رودبار خالی از رطوبت نیست. جانورهای موزی از قبیل مار و عقرب و رتیل کمتر در آنجا به هم می‌رسد. کرم شب‌تاب در رودبار فراوان است و اهل آنجا آن را سوسوزنک نامند؛ یعنی کرمی که شب سو دارد و روشن است و شغل اغلب مردمش حمل ذغال و برنج از مازندران به طهران و مال بارکش آنها فقط استر است. تر و هیزم و فواکه خشک خود را نیز از برای فروش یا معاوضه به غله حمل به اطراف می‌نمایند. از آلوچه و سیب هر کدام رب خوبی می‌سازند. تکلم اهالی دهاتی که به مازندران افرینند نزدیک به تکلم اهالی مازندران است و آنانی که در قرب لواسان واقع شده‌اند قریب به اهالی آنجا تکلم می‌نمایند. به سبب خوبی و برودت هوا

ساکنین آنجا صحیح‌المزاج و معمر می‌شوند. قوت غالب اهالی آنجا برنج و گندم است. محصول املاکشان کفایت معاش تمام سالشان را نمی‌دهد و در هر حال محتاج به آوردن آذوقه از خارجند. همه مذهب تشیع دارند و در این زمان ملای معروفشان جناب آقا سید محمدرضا در لالان و جناب آقا سید ابوطالب در فشم و جناب آقا سیدین در اوشان است. مردمان متمول آنها در این عصر نواده‌های حاجی صالح فشمی در فشم و حاجی عباسقلی سلطان و سایر برادرانش که پسران حاجی علی

سلطان هستند در لالان می‌باشند. اهالی آنجا چنان در صعود و نزول از جبال ماهرند که با بارهای چهل و پنجاه من در کمال سرعت از کوه‌های سخت صعود و نزول می‌نمایند. اهالی رودبار گوسفند و مواشی زیاد دارند که هنگام بهار و تابستان به مراتع لار می‌فرستند. از شکار کوهی زدن بی‌ربط هستند و با دبو جامه[؟] خوب صید کبک می‌نمایند. صد نفر سرباز جزو فوج دماوند دارند. بیست[و] پنج نفر هم موزکندچی دارند و نوکر دیگر در دیوان ندارند. اهالی رودبار شور و قطاع‌الطریق نیستند و از اطراف به این مکان جمع شده‌اند نه آنست که از یک سلسله معلوم و منتسب به کسی باشند. اهالی آنجا طبیب و دوا ندارند و مرضی را فقط به معالجات زنانه علاج

می‌کنند یا به خودی خود وا می‌گذارند. از قدیم‌الایام الی^{۳۶} شخصی که در علوم یا کرامات معروف باشد از آنجا برنخواسته و اغلب مردمش خط و سواد فارسی هم ندارند و در خیال تحصیل نیستند. اطفال خود را نیز مواظبت نمی‌نمایند که صاحب سواد و خط شوند. زنان رودبار بی‌پرده و حجابند ولی با عصمت و عفت و زحمت‌کش می‌باشند به قسمی که اغلب زحمات و خدمات را زن‌ها متحملند و نسج کرباس را خوب می‌نمایند. اهالی رودبار خالی از فقر و پریشانی نیستند.

فایده: بعد از فصل بهار که طغیان آب‌ها کم می‌شود زمین زیادی که قابل صیفی‌کاری هست از سطح رودخانه جاجروود منکشف می‌شود و ظاهر می‌گردد. عقیده جان نثار آن است که هرگاه در آن اراضی هندوانه بکارند خوب به عمل آید زیرا که آن زمین‌ها مرطوبی و شن‌زار است و در جمیع طول رودخانه مزبوره از این قلیل اراضی منکشفه زیاد است که خیلی قبیل صیفی‌کاری است.

بیان تفصیل جبال رودبار قصران است:

دماوند و دنباوند چون خالی از اشجار است کوه اقرع نیز گویند. جبال این رودبار کلیه از سلسله‌های^{۳۷} کوه دماوند است که در طرف شمال شرقی طهران به فاصله چهل میل تقریباً واقع است و بلندترین این سلسله‌ها همان قله دماوند است که همیشه از برف مسطور است و ما فقط ارتفاع آن قله را بیان می‌نماییم و می‌گوئیم

³⁵ . امروز: گلابی وحشی

³⁶ . اصل: الا.

³⁷ . اصل: سلسلهها

ارتفاع این قله پانزده هزار فوت انگیزی^{۳۸} است که هر سه فوت چهارده کره از ذرع شاه است پس ارتفاع آن کوه چهار هزار و سیصد و هفتاد [و] پنج ذرع ایرانی خواهد بود. و این کوه وقتی آتش فشان بوده چنانچه از آثار و علامات موجود و هویدا است. و دور نیست که وقتی دیگر نیز آتش فشان گردد و در آن وقت اطراف طهران را از آن خطر عظیم است و بعضی گویند در قله این کوه معدن کبریت است که محض تابش آفتاب مشتعل گردد و لهذا از هنگام طلوع نیر اعظم الی قریب غروب شعله آتش از آن ملحوظ می‌گردد و یکی از جبال مرتفعه اقلیم آسیا است که از پنجاه فرسخ پیداست و کوه مزبور به اسم قصبه‌ای است که در ذیلش واقع است و آب گرم معدنی مشهوری در خاک لاریجان دارد. این بنده در - گاه نیز در ۱۲۹۱ هجری حسب الامر به توسط جناب حسنعلی خان وزیر فوائد یک فرسخ و نیم راه در دامنه این کوه بریده و عمه این کار فوج دماوندی بوده که بدین واسطه ربط کلی از راه‌سازی و کوه‌بری به هم رسانیده که می‌توان آن را فوج مهندس خواند.

کوه یونضا

این کوه حد و سد میانه لار و رودبار و بلندتر از کوه ورجین است و گرمابدر و آب نیک و لالان و ذایگان و روته در دامنه غربی آن واقع و در سال ۱۲۸۹ برای عبور موکب همایون از سفیدآب لار تا به این کوه راه وسیع خوبی ساخته‌اند و از این کوه الی کوه طلهرز نیز به قدری که عبور از آنجا محل خطر نباشد راه ساخته شده است و این کوه مثل سایر کوه‌های رودبار شکار و میاه فراوان دارد و منبع دو سرچشمه رود جاجرود است که از گرمابدر و آب نیک و لالان و ذایگان می‌گذرند و قرق^{۳۹} همایونی نیست.

کوه گاجره

این کوه حدود سد میانه رودبار و لورا متصل به توچال و ارتفاعش تقریباً مثل کوه یونضا می‌باشد. ذایگان و لالان و دربندسر در طرف شرقی این کوه و سرچشمه رود دربندسر و میگان است. میاه و گیاهش مثل سایر جبال رودبار و شکارش قرق^{۴۰} نیست و راه ولاتر و لورا از دامنه همین کوه می‌باشد که غالباً اهل رودبار از این راه ذغال از نور می‌آورند. راه دیگر هم دارند مشهور به سوتک که از سمت گرمابدر به نور رفته حمل ذغال می‌نمایند.

کوه توچال

بلندترین قله‌های کوهستان رودبار همان قله توچال است که قلعه مرتفعه کوه شمالی طهران باشد که در نزد عوام به کوه البرز شهرت دارد. این قله برف و یخ فراوان دارد که از طهران و حوالی آن برفش نمایان است و به اصطلاح اهالی رودبار، آن محل از این کوه را که همیشه یخ دارد توچال نامند و این کوه به اسم آن محل مسمی گردیده و این کوه فاصله میانه رودبار و شمیران است. امامزاده قاسم، امامزاده داود و پس‌قلعه و غیره در دامنه غربی آن به طرف شمیران واقع و امامزاده شکراب و ایگل و فشم و آهار، دربندسر و میگان در دامنه طرف رودبار افتاده و منبع رودخانه شکراب و چشمه‌های زیاد دیگر نیز می‌باشد. شکار و گیاه هم بسیار دارد ولی قرق همایونی نیست و راه دولتی که بر حسب امر قدر قدر[ت] از گدوک قوچک ساخته شده تا جنب امامزاده این کوه ممتد است و از اینجا از یک طرف الی شمیران و از سمت دیگر الی شهرستانک نیز ساخته‌اند.

نکته: این کوه را که عوام البرز می‌نامند غلط است بلکه البرز قله کوه قفقاز است که میانه بحر خزر و دریای سیاه امتداد دارد و ارتفاع آن قله تقریباً هفده هزار و هشتصد فوت است و اکنون در السنه و افواه عوام کوه توچال به اسم البرز شهرت دارد و ممکن است که این هر دو کوه را به این اسم نامیده باشند.

کوه اسپول

این کوه در شمال کلوگان متصل به آن واقع و دو کوه کچولک و فراخلا نیز جزء همین کوه است و قله این جبل را تیره گویند و ارتفاعش تقریباً مساوی کوه ورجین و راهی که سواره بتوان به قله آن رفت ندارد بلکه پیاده هم به صعوبت به قله آن صعود می‌نماید و از دامنه آن الی قله‌اش زیاده از نیم فرسخ نیست ولی به

38 . مقصود فوت انگلیسی است.

39 . اصل: قوروق.

40 . اصل: قورق. در مواردی بعدی نیز تصحیح شد.

سبب کثرت انحطاط و سراسیمگی پیمودن این مسافت در حالت صعود به کمتر از دو ساعت امکان ندارد. چنانچه جان نثار تجربه این فقره را نمود و به کمتر از دو ساعت در کمال تعجیل صعود آن ممکن نگردید. و چون بالای قله این کوه می‌ایستند طرف شرقی جنوبی آن به واسطه کوه ورجین و طرف غربی به سبب حیلوله کوه‌های توچال و طلهرز غیر مرئی‌اند ولی جهات شمال و جنوب این کوه را از قله آن به خوبی می‌توان ملاحظه نمود به خصوص از طرف جنوب که لواسان و سرخ‌حصار و ایوان کیف ورامین را با دوربین خیلی خوب می‌شود دید. و در بالای این کوه آب ندارد مگر در طرف امامه آب جزئی دارد ولی رودخانه‌های امامه و جاجرود از دامنه‌های آن جریان دارد و قراء کلوگان و آخرین و اوشان و ایگل و فشم و روته و امامه در اطراف این کوه واقعند و گیاه بسیار در این کوه به هم می‌رسد و والک این کوه بهتر و زیادتر از کوه ورجین است و شکارگاه خوب و قرق همایونی است و از دامنه تا قله‌اش همه از سنگ است و خاک ندارد و در کوهستان رودبار مطلقاً مار کمتر پیدا می‌شود.

تتمه: در کوه اسپول سه خانه از سنگ است که مشهور به خانه دیو هستند و رفتن به میان آن خانه‌ها بسیار مشکل بلکه محال است و در زمستان مسکن شکارهای کوهی و بهایمند.

کوه طلهرز

این کوه مرتفع‌تر از ورجین است و به کوه توچال اتصال دارد که قله البرز است و فصل مشترک است میانه رودبار و شمیران و این کوه از طرف مشرق الی خراسان از طرف مغرب الی آذربایجان در خاک ایران ممتد و خود جان نثار سیاحت و نقشه کشیده. از جبال معظم کره زمین است. زراعت لشکرک، رودک، آخرین، اوشان، ایگل که از دهات رودبار قصران است در دامنه شرقی همین کوه واقعند و از طرف شمیران قراء سوهانک، دارآباد، کاشانک و غیره در دامنه همین کوهند. شکار و گیاهش مثل سایر کوه‌های رودبار است و در دامنه طرف شمیرانش علف حلوی که شبیه به جاوشیر است موجود می‌باشد که به حیوانات می‌دهند و درخت شیرخشت در رودبار مخصوص به همین کوه است که در دامنه روئیده می‌شود و منبع رودخانه ایگل است به علاوه این میاه و گیاه زیاد دیگر نیز دارد و رود جاجرود نیز در رودبار از دامنه همین کوه می‌گذرد.

کوه ورجین

این کوه قرق و شکارگاه همایونی است و در آنجا شکار کوهی زیاد است و سباع نیز از قبیل گرگ و پلنگ و خرس نیز دارد. آویشم و قارچ زیاد در آنجا می‌روید و راهی صعب‌المسلک دارد که از طرف شرقی کلوگان سواره به صعوبت تا به قله آن می‌تواند صعود کند. گیاه داروئی در این کوه بسیار است و علوفه که به جهت حیوانات از این کوه می‌برند کما و گزنک است و این جبل را نیز بعضی کوه زرجین می‌نامند به جهت کثرت منافع و گران بهائی گیاه‌های دوائی آنجا که به مثابه زر است و از این کوه هنگام زمستان اوقاتی که برف زیاد باشد بهمن یعنی پارچه‌های برف بزرگ به میان قریه می‌افتد و باعث خرابی می‌شود. سرو کوهی در کوهستان آنجا بسیار می‌روید. در بالای کوه آب جزئی نیز دارد. دهات مفصله رودک، کلوگان، امامه، راحت‌آباد^{۴۲} و کند، گلهندوک و غیره در اطراف و جوانب دامنه‌های همین کوه واقعند که از قراء مسطوره سوای رودک و کلوگان سایر از لواسان کوچک محسوبند که منظور بیان لواسان در این کتابچه نیست بلکه فقط همان رودبار قصران است. تقریباً دور^{۴۳} این کوه سه فرسخ، [و] به واسطه مانع بودن همین کوه است که اهل کلوگان از طرف امامه تا گلهندوک دور زده به افجه می‌روند و هرگاه این کوه در میانه حایل نبود از طرف شرقی کلوگان یک فرسخ مسافت که طی می‌نمودند به افجه می‌رسیدند و کنون دوری راه متجاوز از ضعف خط مستقیم است. و از قله این کوه طهران و اطراف آن مشاهده و هویدا است و به خصوصه با دوربین‌های بزرگ نقاط آن حدود را جزء به جزء به خوبی می‌توان دید.

نکته: راهی لازم است به جهت تسهیل عبور و دعاگوئی دوام دولت قاهره ساخته شود، راهی است که از پل چوبی رودک که روی رود جاجرود بسته شده الی امامه و از آنجا به راحت‌آباد و کند تا افجه و از کلوگان الی ذایگان و از فشم تا دربندسر است و ما به همین قدر اکتفا کنیم و نقشه این بلوک را مزید توضیح الحاق می‌نمائیم.

41 . حیلوله: حایل شدن .

42 . اصل: راهط آباد .

43 . اصل: دوره .



شروعگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی